



میرزا کوچک خان جنگلی؛ در اصفهان، آقانجفی و حاج آقا نور...؛ در شیراز، آسید عبدالحسین لاری و بعضی دیگر از بزرگان علما، [مثلاً] شیخ جعفر محلاتی؛ در بوشهر، رئیسعلی دلواری...» آن چه در صفحه امروز و صفحات مشابه با آن در آینده مطالعه می کنید، بازشناسی روحیه بسیجی است در گستره تاریخ معاصر ایران و در روایت بزرگمردانی که برای آزادی و عظمت کشور، بسیجی وار و مردانه جنگیدند و جان بر سر این کار گذاشتند. در این قسمت، زندگی و خدمات کلنل محمدتقی خان پسیان را بررسی خواهیم کرد.

مظلوم را رهایی ببخشد. روحیه بسیج پروری با همین خصوصیات که گفتیم، [مثلاً] ورود در میدان، نترسیدن، با دشمن سینه به سینه شدن، در دوران حکومت های طاغوتی و در دوران های گذشته هم بود، منتها یا بیگانه ها مسلط بر کشور بودند و آن ها نمی گذاشتند و سرکوب می کردند یا خود حکومت ها فاسد بودند. حالا نمونه هایش را من این جا یادداشت کرده ام. مثلاً در دوران دخالت های خارجی ها - این مال همین دوره تاریخ معاصر ماست، مال خیلی قبل ها نیست - در تبریز، شیخ محمد خیابانی؛ او به یک معنا بسیجی است؛ قیام می کند، حرکت می کند، بعد هم شهید می شود؛ در مشهد، محمدتقی خان پسیان؛ او هم همین جور؛ اغلب شرح حال این ها را متأسفانه شما ها نمی دانید؛ باید کتاب زیاد بخوانید، باید شرح حال این ها را بفهمید، بدانید. در رشت،

زده است. رهبر معظم انقلاب، پنجم آذرماه امسال و در دیدار جمع کثیری از بسیجیان، این حقیقت مغفول مانده را برای چندمین بار یادآوری کردند و گفتند: «فرهنگ بسیج یعنی خستگی نشناختن در کمک های مؤمنانه... در میدان مقابله با دشمن هم، یعنی در میدان جنگ نظامی هم، بی محابا وارد میدان شدن، از دشمن نترسیدن، به دشمن فرصت ندادن» این [فرهنگ بسیجی] است. در هر کار از سیاسی و نظامی و علمی وارد شدن و همه توان خود را به کار گرفتن؛ این فرهنگ بسیجی است... بسیجی بودن فرهنگ مجاهدان گمنام است - همین طور که در فرمایش امام هم به همین معنا اشاره شده - فرهنگ مجاهدان بی توقع است؛ خطریذری است، نترسیدن است؛ خدمت گزاری است برای همه و برای کشور؛ از خود برای دیگران مایه گذاشتن است؛ حتی مظلوم شدن برای این که

بشر آغاز شد و تا قیام قیامت، برپا خواهد ماند. در چنین چشم اندازی، باید بسیج و بسیجی را فراتر از رزمندگانی دید که قهرمانانه در میدان های رزم، از جان مایه گذاشتند و برای ملت ما، عزت و شرف و آزادی خریدند. در چنین چشم اندازی، هزاران شخصیت برجسته علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار می گیرند که بود آن ها، بر ظرفیت های گوناگون یک ملت افزوده و زمینه تعالی و رشد آن را مسیر الهی اش رقم

گروه تاریخ - آن هایی که مدعی اند بسیجی بودن یعنی فقط لباس خاکی پوشیدن و سلاح به دست گرفتن و در میدان نبرد جنگیدن یا نمی دانند یا خودشان را به نادانی می زنند؛ بسیج یک تفکر است، یک رویکرد، یک سبک زندگی، یک روش برای حرکت به سوی آن که انسان و انسانیت چشم به راه اوست، یک فرهنگ است. بسیج ایده و تفکر امروز و دیروز نیست، اندیشه ای سیال در تاریخی است که با بعثت انبیای الهی برای نجات ورهایی

یادبودی از چند چهره برجسته تاریخ معاصر ایران

خادمان جاودان ملت

رفاه و امنیت فراگیر ارمغان «پسیان» ۳۰ ساله برای مردم

کلنل محمدتقی خان پسیان، بیش از شهادت در مهرماه ۱۳۰۰، تنها ۶ ماه حاکم خراسان بود

امادر همین مدت و با تلاش های همه جانبه وی وقفه، نظم را برقرار و دغدغه های اصلی مردم را برطرف کرد

جواد نوائیان رودسری - محله «سرخاب» تبریز، در یکی از روزهای سال ۱۲۷۰ خورشیدی، شاهد به دنیا آمدن نوزادی بود که سه دهه زندگی سراسر تلاش، شور و عشق او به میهن به روایتی جذاب و تمام نما از وطن دوستی ایرانیان تبدیل شد. کلنل محمدتقی خان پسیان در خاندانی متولد شد که بیشتر اعضای آن نظامی بودند. او پس از مدتی تحصیل در مکتبخانه های آن دوره، در سال ۱۲۷۷ ش وارد مدرسه تازه تأسیس «لقمانیه» شد. پسیان در این مدرسه، زبان فرانسه را فرا گرفت. ۱۵ ساله بود که برای تحصیل در مدرسه نظام، تبریز را به مقصد تهران ترک کرد؛ اما شاید خودش هم نمی دانست که این رفتن را بازگشتی نیست. پس از تأسیس نیروی نظامی ژاندارمری - که در واقع، با تلاش تعدادی از مشروطه خواهان به منظور ایجاد یک نیروی نظامی مستقل برای حفظ امنیت کشور شکل گرفت - و با وجود این که هنوز یک سال از تحصیل اش در مدرسه نظام باقی مانده بود، به این نیروی تازه تأسیس فراخوانده شد و در سال ۱۲۸۹ ش، در حالی که تنها ۱۹ سال داشت، با درجه نایب دومی (ستوانی)، به استخدام نیروی ژاندارمری درآمد.

کلنل در مسیر محبوبیت

زیرکی و توانایی پسیان باعث شد خیلی زود پله های ترقی را طی کند. سال بعد، محمدتقی ۲۰ ساله، به درجه سلطانی (سروانی) رسید و علاوه بر فعالیت های نظامی، به عنوان مترجم «یال مار سن»، مستشار سوئدی و فرمانده ژاندارمری ایران، از نزدیک با سبک های نوین جنگی آشنا شد. کلنل در سال نخست حضورش در ژاندارمری، لیاقتش را در سرکوب شورش «حبیب... خان» در قزوین ثابت کرد. مدتی بعد، برای سرکوب اشرا و راهزنانی که راه های همدان را ناامن و زمینه دخالت نظامی روس ها را فراهم کرده بودند، به همدان رفت و پس از یک سال تلاش بی وقفه، نظم را در منطقه حاکم کرد. این موفقیت باعث شد وزارت جنگ وقت، به او نشان طلای لیاقت اهدا کند. پسیان برای برقراری آرامش و امنیت در منطقه بروجرد تا یک قدمی مرگ رفت، اما حاضر به ترک میدان نشد و با نبوغ نظامی خود، بر دشمن پیروز شد. پسیان در دوران فرماندهی ژاندارمری همدان، یکی از معذور دفاع های ایرانیان را در برابر مهاجمان روسی که پس از قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران میان روسیه تزاری و انگلیس، وارد خاک کشورمان شده بودند، ترتیب داد. پیروزی های موقت او در مقابله با نیروهای استعمار، بارقه امید را در دل بسیاری از مردم، روشن و وصف شجاعت و بی باکی او را در خارج از مرزهای ایران منتشر کرد. با این حال، دفاع جانانه او و یارانش به دلیل کمبود امکانات و ضعف حکومت مرکزی، با ناکامی روبه رو شد.

نخستین ایرانی بر فراز ابرها

اشغال ایران در جنگ جهانی اول و بازداشت بسیاری از افسران وطن دوست ایرانی، کلنل را از ادامه فعالیت بازداشت. او با وجود میل فراوان برای ایستادن و مبارزه کردن، ناچار ایران را ترک کرد و در سال ۱۲۹۶ ش، برای در مان بیماری مزمن کبدی، به آلمان رفت. پسیان در این زمان، تنها ۲۶ سال داشت. شهرت او در شجاعت و نبوغ نظامی، باعث شد ارتش آلمان از کلنل برای همکاری دعوت کند و او که در دنبال فرصتی برای تکمیل دانسته هایش بود، این دعوت را پذیرفت. پسیان در همین ایام، وارد نیروی هوایی تازه تأسیس آلمان شد و به عنوان نخستین ایرانی، دوره خلبانی را گذراند و با هواپیما پرواز کرد. آلمان ها از او خواستند در نبردهای هوایی جبهه فرانسه شرکت کند، اما پسیان نپذیرفت و از آلمان ها خواست به او اجازه نبرد در جبهه روسیه تزاری را بدهند. او می خواست با کسانیی رودرو شود که میهن اش را عرصه تاخت و تاز خود کرده بودند. به این ترتیب، پسیان توانست در ۲۳ عملیات هوایی علیه روسیه تزاری شرکت کند؛ اما ناراحتی کبدی به او اجازه ادامه فعالیت را نداد و ناچار پس از در مان بیماری و فراگیری برخی علوم و فنون، در سال ۱۲۹۸ ش به ایران بازگشت.

به سوی خراسان

کلنل پس از روی کار آمدن «مشیرالدوله» و با تشویق ملک الشعری بهار، فرماندهی ژاندارمری خراسان را پذیرفت و در شهریور سال ۱۲۹۹ ش راهی مشهد شد. ورود او به مشهد، هم زمان با حکومت «قوام السلطنه» بر خراسان بود. شواهد تاریخی موجود نشان می دهد که مشهد در این دوره، از هر نظر روزگار خوبی را از سر نمی گذراند؛

ژاندارمری، به عنوان نیروی رسمی ضامن امنیت و نظم، با ریاست محمدحسین میرزا جهانبانی، داماد وثوق الدوله و فامیل قوام السلطنه، هیچ حرفی برای گفتن نداشت. ژاندارم ها مدت ها مواجب و حقوق خود را دریافت نکرده بودند و حتی حاضر نبودند از مشهد در برابر حمله راهزنان حفاظت کنند. فساد مالی، عامل به وجود آمدن این بی نظمی بود. کار به جایی رسید که قوام السلطنه، برای دفع تعرضات یکی از راهزنان اطراف مشهد، مشهور به «محمد زشکی»، ناچار شده بود از حدود ۲۰۰ سوار نظام حاکم قوچان کمک بگیرد. پسیان که مدتی پس از ورودش به مشهد، به وسعت فساد در سیستم حکومتی خراسان پی برده بود، کمر به اصلاح امور بست. با وقوع کودتای سوم اسفند در تهران و اجرای سیاست سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی مبنی بر بازداشت اشراف و سیاستمداران برای تسلط بر امور و همین طور کسب درآمد از این اقدام، وی مخفیانه دستور دستگیری قوام السلطنه را صادر کرد و برای پسیان، فرمانده ژاندارمری خراسان، فرستاد. کلنل که ظاهر ا ز ماهیت واقعی سیدضیاء آگاه نبود و از طرفی قوام السلطنه را عنصری ضد مردمی و وابسته می دانست، وی را بازداشت کرد و به تهران فرستاد. به این ترتیب زمام امور خراسان از ۱۳ فروردین ۱۳۰۰ شمسی عملاً در اختیار کلنل پسیان قرار گرفت و او دست به اصلاحات گسترده ای زد.

مشهد در دوران حکومت پسیان

کلنل با کمک «موسیو دیووا»، مستشار اداره مالیه خراسان، به امور مالیاتی رسیدگی کرد و از بهدکاری های سنگین مالیاتی قوام السلطنه و اشراف خراسان پرده برداشت. او که برای اجرای اصلاحات در خراسان به پول نیاز داشت، اقدام به وصول مالیات های عقب افتاده کرد و با پی بردن به اختلاس های گسترده طبقه حاکم، دارایی های آن ها را ضبط و از آن برای عمران شهر استفاده کرد. پسیان با ترمیم سیستم اداری آستان قدس و انتظام مالی آن، موفق به ایجاد یک صندوق خیریه از درآمد های آستان قدس، برای کمک به محرومان شد. این در حالی بود که در دوره های قبل، به سبب اختلاس ها و سوء استفاده های گسترده، آستان قدس به افراد زیادی بدهکار بود و حتی طبقه گزراش «عین السلطنه» در «روزنامه خاطرات»، برخی از این طلبکاران از محل درآمد موقوفه ها، نزولی می گرفتند! کلنل به سرعت جای حکام مستبد را با عناصر مردمی و مشروطه خواه عوض کرد. ژاندارمری که به واسطه فساد مسئولان قبلی، عملاً به یک دستگاه بی فایده مبدل شده بود، احیا شد و در پایان دوره خدمت پسیان، تعداد ژاندارم های خراسان به چهار هزار نفر رسید. مقایسه این تعداد نفرات، با تعداد نیروهای رضاخان برای فتح تهران (۲۵۰۰ قراق)، نشان دهنده کار عظیم و خارق العاده کلنل در همین مدت کوتاه است. محمدتقی خان پسیان نیروهای ژاندارمری را بین مناطق مختلف خراسان، مانند سبزوار، تربت حیدریه و نیشابور، تقسیم کرد. نتیجه این اقدامات، برقراری امنیت در خراسان بود. طی مدت کوتاه حکومت کلنل پسیان در خراسان، اصلاحات فراوانی انجام شد که با وجود کوتاهی دوران وی، حدود شش ماه، در نوع خود کم نظیر است. طبعاً این اصلاحات به مذاق برخی خوش نمی آمد و از این رو، با کلنل دشمنی آغاز کردند.

شهادت غریبانه

با کنار رفتن دولت سیدضیاء و روی کار آمدن قوام السلطنه، کلنل احساس خطر کرد. حاکم پیشین خراسان که با پسیان خصومت شخصی داشت، کوشید با لطایف الحیل وی را وادار به تسلیم و تمکین کند، اما او تسلیم نقشه های قوام السلطنه نشد و سواست بعضی اعیان خراسان نیز، سودی نبخشید. قوام السلطنه به تحریک برخی خان های شمال خراسان پرداخت و آن ها سر به شورش علیه کلنل برداشتند. مرحوم پسیان که برای دفع این فتنه به قوچان رفته بود، در جعفرآباد قوچان توسط نیروهای شورشی محاصره شد و به شهادت رسید. قاتلان سر از پیکری جدا کردند و به تهران فرستادند. پیکر مرحوم کلنل محمدتقی خان پسیان، با احترام بسیار در باغ نادر ی مشهد دفن شد. اما در دوران حکومت رضاخان، سرتیپ خراعی دستور داد پیکری را به قبرستان عمومی شهر منتقل کنند. سال ها بعد، رزمان حکومت دکتر مصدق و در جریان فعالیت های عمرانی در منطقه سراب، مجدد صندوق حاوی پیکر وی پیدا شد و بعد از تشییع دوباره، آن را در مکان سابقش، باغ نادری دفن کردند. در دهه ۱۳۳۰ ش و در جریان ساخت بنای آرامگاه نادرشاه، پیکر کلنل مجدداً از مکان اولیه به جایی دورتر از بنای اصلی، مکان کنونی آن، منتقل و دفن شد.



بررسی تحلیلی بر نامه های اصلاحی

محمدتقی خان پسیان و آثار آن برای مردم خراسان

چرا کارنامه حکومت ۶ ماهه «کلنل» درخشان است؟

رودسری - معمولاً آن چه در جریان بررسی تاریخی زندگی و خدمات کلنل محمدتقی خان پسیان مغفول می ماند، اقدامات او در کسوت حاکم خراسان و نتایج این اقدامات است. شتاب وقایع و نزدیک بودن آن ها به یکدیگر، اصولاً مجالی برای این بررسی باقی نمی گذارد؛ حال آن که بخش اصلی و قابل مطالعه زندگی ۳۰ ساله کلنل، برای شناختن شخصیت و ماهیت اصلی اقدامات او، همین دوران حکومت کوتاه شش ماهه است. مروری بر اقدامات کلنل در همین مدت کوتاه، نشان از کارایی، توانمندی و عزم جدی وی برای اصلاح امور دارد و به نظر می رسد که تداوم آن روش و توسعه شیوه مدیریتی مرحوم پسیان، قادر بود بسیاری از مشکلات پیچیده ایران را در آن دوره حل کند و مسیر پیشرفت و ترقی را در بسیاری از عرصه ها بگشاید. با کمی اغماض می توان شیوه اصلاحی کلنل را به اقدامات امیرکبیر، البته در مقیاسی بسیار کوچک تر، تشبیه کرد. او بعد از رسیدن به حکومت خراسان در ۱۳ فروردین ۱۳۰۰، دست به اصلاحاتی زد که در حوزه های ذیل قابل مطالعه و بررسی هستند:

نخست: مبارزه با فساد و رانت خواری - مهم ترین و شاید اصلی ترین اقدام کلنل پسیان که زیربنای پیشرفت بقیه برنامه های اوست، مبارزه با فساد گسترده مالی در خراسان و به ویژه در آستان قدس است. کلنل زمانی حکومت خراسان را به دست گرفت که به قول عین السلطنه، «از ۱۰ سال [پیش] به این طرف، آستان قدس مقروض شده بود... و رشکست شده بود... خرج و دخل آن گفایت نمی کرد... سیصد چهارصد هزار تومان قرض پیدا کرده بود؛ به کی؟ به بانک روس، به بانک شاهنشاهی انگلیس، به تجار باخوار...». کلنل برای رفع این مشکل، نیروهای مورد اعتماد خود را در ژاندارمری به آستان قدس آورد و مسئولیت های حساس را به آن ها سپرد. ظرف چندماه، بخش اعظم دیون تأدیو حتی به همت وی و تعدادی از بازاریان مشهد، صندوقی برای رسیدگی به امور فقرا و مستمندان تأسیس شد. هم زمان دریافت مالیات های عقب افتاده از اشراف و بازاریان ثروتمند هم، دست حکومت را برای مانورهای اقتصادی باز گذاشت و همین مسئله، بخشی از عملیات مبارزه با فساد مالی در حکومت خراسان بود. کلنل در انجام این اقدامات، اصلاً سهل مشامت نبود و جدیت او در کار، حتی باعث اعتراض افراد موجهی مانند ملک الشعری بهار شد که در جریان سخت گیری های کلنل، برادرش به زندان افتاده و روزنامه وی سلب امتیاز شده بود.

دوم: برقراری امنیت فراگیر - کلنل پسیان قبل از هر چیز، یک نظامی تحصیل کرده و در واقع، تخصص اصلی اش گسترش و تجهیز نیروهای حافظ امنیت بود. در بدو ورود او به مشهد، ژاندارمری اوضاع خوبی نداشت و وضع به گونه ای بود که این نیروها قادر به برقراری امنیت نبودند و به همین دلیل، حاکمان از وجود نیروهای قبایل و طوایف خراسان برای این کار استفاده می کردند. این روش، هر چند مشکل را تا حدودی حل می کرد، اما سبب می شد که سران طوایف، احساس استقلال بیشتری کنند و عملاً در پی یک خودمختاری محدود باشند؛ رویکردی که باعث وارد آمدن آسیب جدی به امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور می شد. کلنل با تشکیل یک نیروی چهار هزار و ۵۰۰ نفری، ژاندارمری خراسان را به بهترین نیروی تأمین امنیت سراسر کشور تبدیل کرد. در افزایش نیروهای ژاندارمری، کلنل از یک تهدید جدی، فرصت ساخت؛ بخش عمده این نیروها، همان افرادی بودند که در مقابل دریافت مواجب، به خان ها خدمت می کردند. برخی از این افراد، با دستور کلنل و باطی کردن یک دوره آموزشی کوتاه، افسر ژاندارمری شدند و به این ترتیب، ساختار نظامی نیروهای حافظ امنیت در خراسان، به شکل متمركز و کارآمد آمد. در پرتو همین امنیت اجتماعی، مصرف مواد مخدر در معابر عمومی شهر که منشأ بسیاری از جرم و جنایات بود، با دستور صریح کلنل ممنوع شد و معتادان متجاهر، محاکمه و محکوم به کار اجباری زندان می شدند. با این حال، امنیتی که مرحوم پسیان به دنبال استقرار آن بود، فقط شامل امنیت اجتماعی نمی شد. او با پایه گذاری برخی از زیر ساخت های مهم شهری، مانند سیلوی گندم، به دنبال ایجاد منابعی پایدار برای تأمین غذای مردم مشهد و در واقع تأمین امنیت غذایی رفت. از سوی دیگر، برقراری امنیت در جاده ها، باعث رونق مبادلات تجاری و پدیدار شدن امنیت اقتصادی نیز، می شد.

سوم: تلاش برای گسترش و تقویت فرهنگ - کلنل با وجود این که یک نظامی بود، اما ارتباط گسترده ای با اهالی فرهنگ برقرار کرد. او با موسیقی ایرانی آشنایی داشت و به دلیل تمایلات وطن دوستی، با شاعران و هنرمندانی مانند عارف قزوینی که سراینده اشعار و تصنیف های پرشوری مانند «از خون جوانان وطن لاله دمیده» بودند، رفت و آمد پیدا کرد. کلنل مانند تمام آذربایجانی های غیور، علاقه فراوانی به فردوسی و اثر سترگ وی، شاهنامه داشت و حتی در میدان رزم، برای تهییج سربازان، از اشعار حماسی شاهنامه استفاده می کرد. به همین دلیل، بعد از به دست گرفتن حکومت خراسان در نوروز ۱۳۰۰، تصمیم به بازسازی آرامگاه فردوسی گرفت. با دعوت کلنل پسیان، عارف قزوینی به مشهد آمد و در میدان ارگ، کنسرتی اجرا کرد که قرار بود عواید آن صرف بازسازی آرامگاه فردوسی شود. با این حال، پرداختن به این امور، تنها اقدام فرهنگی کلنل نبود. او در دوران حکومتش بر خراسان، سنگ بنای مدارس دولتی را در مشهد گذاشت که باید اطفال ایرانی را به ابرایگان آموزش می دادند. بدیهی است که بسیاری از این اقدامات، ظرف شش ماهه قابل اجرا نبود، اما طراح آن ها شروع به آغاز عملیات اجرایی، سرعت بسیار بالایی داشت. کلنل برای اجرای هر چه بهتر این طرح ها، شخصاً بر کارهای اجرایی نظارت می کرد و حتی گاهی، در باره برخی تغییرات به کارشناسان پیشنهادهایی می داد. کثرت طرح ها و فعالیت ها، لازجرم بیان کننده وسعت تلاش است؛ تلاش برای بهتر کردن وضعیت زندگی مردم از جهات گوناگون و همین امر، باعث می شود که کلنل را به عنوان سرباز وطن، سیاستمدار مردمی و تلاشگر عرصه آبادانی دوست داشته باشیم و کارنامه حکومت شش ماهه او را درخشان بدانیم.